

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۸۰ / ۱۲ / ۲۲



دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی و بخش ادبیات فارسی
پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد
ادبیات فارسی

موضوع:

فرهنگ واژگان و اصطلاحات و گویش
محلی مردم انار

استاد راهنما

دکتر جواد برومند سعید

مؤلف

محمود پور شریفی

۱۶۸۹۰

شهریور ۷۸

(ب)

۳۹۱۵۲

بسمه تعالی

این پایان نامه

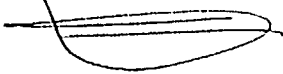
به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشد

به

بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

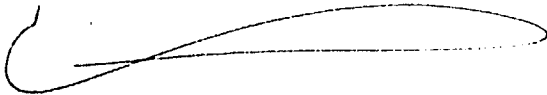
تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

امضاء


نام و نام خانوادگی

آقای محمود پور شریفی

دانشجو:



آقای دکتر جواد برومند سعید

استاد راهنما:



آقای دکتر احمد امیری خراسانی

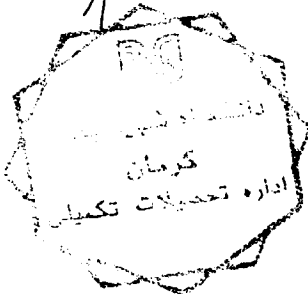
دور ۱:



آقای دکتر داریوش کاظمی

دور ۲:

دور ۳:



حق چاپ محفوظ و مخصوص به مولف است

(ج)

تقدیم به :

به همسر گرامیم خانم دکتر فاطمه صوراسرافیل
که با فرزانی خویش و بلندی همت همراه شد تا با یاریش
بتوانم معابر معرفت را روشن کنم.

با سپاس از :

نخستین استاد زبان و ادبیات، مادر بزرگوار
که واژگان (اناری) را چون مائده‌ای بهشتی چنان در دهانم نهاد.
که تا زنده‌ام کام جانم از آن شیرین است.

تقدیر

مَنْ لَمْ يَشْكُرْ الْمَفْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْفَالِقَ

شکر ذات مقدس پروردگار را سزااست که شاکرترین بندگانش از حق شکر او عاجز و عابدترین آنان در عبادتش قاصر، شکر را تعلیم داد. و بر آن ثواب عظیم مقرر فرمود. اقیانوس رحمتش را ساحلی و نعمتهایش را شماره‌ای نباشد. او در هنگام مغفرت ارحم الراحمین و در غوغای عقوبت، اشد المعاقبین است. سپاس او را که برای هدایت ما، افضل انبیاء و فخر مرسلین را به رسالت مبعوث فرمود تا، زنجیرهای اسارت را از دست و پای ما بردارد و در سایه بندگی خود به ما افتخار (کَرَمْنَا بَنِي آدَمَ) عطا نماید.

بایسته می‌دانم از جناب آقای دکتر جواد برومند سعید (استاد راهنما) که با فرزاندگی و جهان دیدگی ویژه خویش، در این طی طریق، پیر دلیل و چراغ هدایتیم بودند و با رهنمودهای فاضلانه و خالصانه خود، محور حمایت شدند برای عمری سپاسگزار باشم.

صمیمانه‌ترین سپاسها را به حضور کلیه استادان محترم و معزز دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان آقایان دکتر محمود مدبری، دکتر احمد امیری خراسانی، دکتر محمدرضا صرفی، دکتر یحیی طالبیان، دکتر ناصر محسنی‌نیا، دکتر رحیم نژاد سلیم و سایر همکاران فاضلشان تقدیم می‌دارم. امیدوارم که همیشه تشنگان وادی علم و ادب از وجود این عزیزان سیراب گردند.

چکیده :

بدون شک مهمترین عامل پیوند انسان با گذشته، زبان و فرهنگ اوست. در این راستا لازم است که هر چه بیشتر و بهتر در حفظ این عامل اساسی تلاش کرد و کوشید. در کنار زبان رسمی لهجه‌های محلی و بومی نیز جایگاه ویژه‌ای دارند.

از آنجا که فرهنگ و تمدن کنونی ریشه در گذشته دارد. لازم است که نسل جدید با فرهنگ، تمدن، گویش و... گذشته خویش آشنا شوند چه بسا که واژگانی متروک شود و یا کاهش معنی دهد و یا در لغت نامه‌های رسمی ثبت نشود. بر همین اساس تصمیم بر این شد که به ثبت واژگان، تعابیر و ترکیبات محل سکونت خود که سابقه‌ای طولانی در طول تاریخ دارد، پرداخته شود.

آنچه در این نوشته، فراهم آمده است، تحقیقی است پیرامون فرهنگ واژگان و اصطلاحات و گویش محلی مردم انار که در برگیرنده مجموعه لغات و اصطلاحاتی است که مردم انار از توابع رفسنجان در گویش روزمره خود به کار می‌برند. از آنجا که معتقد است، حفظ این گویش، صیانت از بخشی از گنجینه زبان و تمدن قدیم است. ضرورت جمع‌آوری و ثبت و ضبط این گویشها لازم دیده شد.

در این تحقیق ابتدا، مقدمه‌ای درباره زبان و تحول آن و ضرورت حفظ و صیانت از لهجه‌های بومی آورده شده است.

سپس ۱۶۹۱ واژه و ترکیب که از زبان مردم بومی منطقه به انحاء مختلف گردآوری شده بود براساس حروف الفباء و همراه با آوا نویسی لاتین تنظیم گردید. به این امید که توانسته باشد ضمن حفظ بخشی از ادبیات کهن و محلی خویش، نسل آینده را نیز با گذشته پرافتخار خویش آشنا نماید به این امید که این تلاش مفید واقع گردد و نیز مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۲	۱-۱ مقدمه
۳	۲-۱ تعریف زبان
۳	۳-۱ تحول زبان
۸	۴-۱ موقعیت جغرافیایی انار
۱۳	۵-۱ چگونگی مراحل انجام کار پژوهش
۱۶	۶-۱ نشانه‌های آوایی

فصل دوم

۱۷	فرهنگ واژگان
۱۳۵	فهرست منابع و مآخذ
۱۳۶	چکیده پایان نامه به زبان لاتین

فصل اول

مقدمه

تمدن زدگی، مجموعه عوارضی است که جنبه‌های مثبت و منفی با خود به همراه دارد. جنبه‌های مثبت، همان رفاه، سهولت و بی‌خیالی‌هایی است که اکتشافات و اختراعات و پدیده‌های علمی برای ما به ارمغان آورده است. اما جنبه‌های منفی، فراموشی و یا ترک شیوه‌ها و عاداتی است که روزگاران دراز، در شمار ارزشها، بر پندار و گفتار و کردار ما فرمانروا بوده و منش و کنشی دلپذیر که معرف فرهنگ ماست به وجود آورده است. از جمله این جنبه‌های منفی، ترک شیوه سخن گفتن و متروک ساختن اصطلاحات و ترکیبات مفهوم آفرین و پرمعنایی است که در بردارنده شیوه تفکر، طرز زندگی و پیام‌دار اخلاق و عاطفت قومی و فرهنگی است. از آنجا که مهمترین عامل پیوند انسان با گذشته، زبان و فرهنگ اوست، در این راستا لازم است که هر چه بیشتر و بهتر در حفظ این عامل اساسی تلاش کرد و کوشید. زبان همیشه بعنوان بنیادی‌ترین رکن تمدن انسانی مطرح بوده است که شناخت و حفظ آن، صیانت فرهنگی یک نسل و قوم را به دنبال دارد. در این بحث ابتدا به طور مختصر به تعریف زبان و تحول آن اشاره می‌شود و سپس موضوع مورد بحث مطرح می‌گردد. همچنین بخشی تحت عنوان «موقعیت جغرافیایی انار» به همراه چند عکس و نقشه جهت هر چه روشن‌تر شدن بحث و آشنایی با محل آورده شده است که خالی از فایده نیست.

تعریف زبان

انسان و زبان در طول تاریخ، پیوسته در ارتباط با هم بوده‌اند به طوری که شناخت یکی، مستلزم شناخت دیگری نیز می‌باشد بدون شک برای شناخت انسان و گذشته او باید زبان او شناخته شود، همان زبانی که بنیاد فرهنگ و تمدن وی بر آن استوار است. در تعریف زبان شاید بتوان گفت که هر گونه وسیله‌ای که به کمک آن بتوان ما فی الضمیر خود را به دیگری انتقال داد، زبان نامیده می‌شود اگرچه تعابیر دیگری نیز از زبان شده است از جمله.

«کلی‌ترین تعریف زبان این است که مجموعه‌ای از دلالت‌ها یعنی نشانه‌هاست. پس تحقیق در اصل و منشاء زبان موقوف بر آن می‌شود که ببینیم بشر طبعاً چه نوع نشانه‌هایی در اختیار داشته و چگونه توانسته است آنها را به کاربرد مراد از دلالت یا نشانه در اینجا هر نوع علامتی است که در روابط میان افراد بشر به کار بیاید؛ و چون علامتها انواع مختلف دارد انواع زبان نیز مختلف است همه حواس ظاهر ما ممکن است وسیله ایجاد زبان بشود، پس زبان بوییدنی و زبان پسودنی (لمس) و زبان دیدنی و زبان شنیدنی هست. هر وقت هر فرد که عملی را با مفهومی نسبت داده باشند؛ آن عمل را انجام دهند به قصد آنکه همان مفهوم را به ذهن دیگری القاء کنند، می‌توان گفت که زبانی وجود دارد»^(۱)

نکته قابل ذکر این است زبان امری است اجتماعی که پیوند و ارتباط بین جوامع را به عهده دارد و حلقه اتصال اجتماع است لذا تکامل و ثبات آن، تکامل و ثبات جوامع را نیز در بر دارد.

تحول زبان

زبان در طول دوران تحول فراوان داشته است. از زبان اشاره که گویا اولین نوع زبان بوده و

۱- زبان‌شناسی و زبان فارسی. پرویز ناتل خانلری، ص ۷.

زبانهای تصویری، قراردادی و... شروع شده. تا نوع کاملتر آن که زبان گفتاری و زبان نوشتاری رسیده است برخی از عوامل تحوّل زبان را می‌توان عوامل برونی و درونی نام برد.

عوامل برونی: مربوط به مسائل اجتماعی است که گاه و بیگاه اتفاق می‌افتد یعنی هر دگرگونی و تحولی که در جامعه رخ می‌دهد بی‌شک بر زبان نیز تأثیر خواهد گذاشت.

عوامل درونی: مربوط به نوع گویش و سخن گفتن است که بوسیله قوای عضلانی و بدنی انجام می‌گیرد. گاهی به حسب نیاز، کلمات تخفیف می‌یابند و گاهی طولانی می‌شوند یعنی بعضی از هجاها و واژه‌ها ممکن است بر این اساس تغییر یابند.

واژگان یک زبان در طول تاریخ دستخوش تحولاتی، می‌شوند که می‌توان تغییر و تحول را در چند مقوله زیر نام برد.

۱- واژگان فراموش شده یا مرده ۲- واژگان نیمه فراموش یا واژگانی که کاهش معنی یا تغییر معنی داده‌اند ۳- واژگان جدید.

بنا به اعتقاد صاحب نظران برخی از علل متروک شدن واژگان از این قرار است: از جمله علت‌های اجتماعی متروک شدن بعضی از الفاظ مراعات ادب است.

علت دیگر متروک شدن بعضی از الفاظ. اعتقادات دینی یا موهومات و خرافات یا آداب اجتماعی است. در بسیاری از جوامع بشری بر الفاظ خاصیت و اثر جادویی قائل هستند و از این رو گمان می‌برند که ذکر تمام موجودهای زیان‌آور چیزهای شوم موجب حضور آنها یا گریبانگیر شدن نحوست آنها خواهد شد به این سبب از ذکر نام اینگونه چیزهای و امور پرهیز می‌کنند و آنها را به نامهای کنایه‌آمیز می‌خوانند تا آنجا که کلمه اصلی ممکن است یکسره فراموش شود. گاهی نیز احترام و قدر بسیار برای چیزی یا امری موجب احتراز ذکر نام آن

می‌شود (۱)

واژگان نیمه فراموش نیز در طول تاریخ بعللی از جمله عدم کاربرد، منطقه جغرافیائی محدود، و یا جایگزینی لغات و واژگان جدید و برخی عوامل دیگر نیز باعث شده است که برخی از واژگان نیمه فراموش شوند یا تغییر معنی بدهند. واژگان نو نیز بعللی از جمله: اختراعات صنعتی، نیاز به واژه جدید و یا بعضاً احیای واژگان فراموش شده و کهن بوجود می‌آیند.

در این راستا، لهجه‌ها نیز حائز اهمیتند. زیرا لهجه‌های هر منطقه بار معانی، تاریخی و فرهنگی گسترده‌ای را با خود حمل می‌کنند که با شناخت و حفظ آنها می‌توان گذشته تاریخی مردمانی را که بدان لهجه صحبت می‌کنند حفظ کرد و آیندگانی را که بی‌شک هیچگونه آشنایی و یا شاید رغبتی به آگاه شدن از گذشته خود نداشته باشند. با گذشته پربار خود آشنا کرد این امر در محدوده زبان بطور کلی حائز اهمیت است. بعنوان مثال آشنایی با زبان و ادبیات فارسی، باعث می‌شود که با گنجینه‌ای غنی و فرهنگی سرشار از لطایف و حکمت و... آشنا شد که به این زبان بیان شده است. گویشها و لهجه‌ها هم از این امر مستثنی نیستند. زیرا بخش اعظمی از فرهنگ بومی ما که تحت عنوان «فهلوی» یا «فهلویات» یا «پهلویات» نامیده می‌شود در این راستا شکل گرفته است از اشعار بومی و محلی گرفته تا داستانها و حکایات و افسانه‌های محلی و نیز طرز گفتار و بیان مردم یک محل و منطقه. بر همین اساس اینجانب بر خود لازم دید که به این امر اخیر مبادرت ورزد و جهت ثبت و ضبط یکی از لهجه‌های شیرین زبان فارسی که در منطقه‌ای وسیع بکار می‌رفته است. ولی امروز متأسفانه به عللی که ذکر شد کم رونق شده است، اقدام نماید.

۱- تاریخ زبان فارسی، نائل خانلری، ج ۱، ص ۹۶.

این امر زمانی صورت واقعی به خود گرفت که بناچار می‌بایست تحقیقی بعنوان پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی فراهم آورد. لذا چه موضوعی بهتر از این می‌توانست اینجانب را ارضاء نماید. بر همین اساس تصمیم گرفته شد تا بررسی لهجه منطقه‌ای را بعنوان پایان‌نامه انتخاب نمایم که عمری را در آن سپری کرده بودم. و به حکم اجبار از زادگاه خویش به قصد شهری بزرگتر ترک دیار کرده و از طرفی می‌دیدیم که مهاجم زبان و فرهنگ وارداتی شرق و غرب، به ویژه اصطلاحات و واژگانی که محصول تمدن و دانش پیشرفته غرب است رو به گسترش است. لذا بر آن شدم تا آن جا که می‌توانم این «تمدن زدگی» را از چهره فرهنگ و زبان مردم دیار خویش بزدایم و در آشکار کردن هویت یکی از لهجه‌های شیرین زبان فارسی کند و کاوی داشته باشم بنابراین از این فرصتی که بعنوان تنظیم پایان‌نامه در اختیارم قرار گرفت. بسیار سود بردم و فرصت را مغتنم دانستم تا موضوع پایان‌نامه‌ام را تحت عنوان «فرهنگ واژگان و اصطلاحات و گویش محلی مردم انار» انتخاب نمایم گویش مردم شهر انار که تاریخ آن به هزار سال پیش بر می‌گردد و این فرزند کوچک را در دامان خود پرورش داده، همان گویش مردم کرمان کهن سال است با مختصر تغییرات آوایی، بیشتر واژگان همانهاست که عیناً یا با تغییری مختصر در کرمان نیز بر زبان می‌آید و می‌دانیم گویش کرمانی از اصیلترین گویشهای ایرانی است که کمتر از دیگر گویشها دستخوش رخدادهای تاریخی و جغرافیایی شده است. چنان که تلفظ بسیاری از واژگانی را که ظاهراً در زبان محاوره‌ای کرمان به کار می‌رود، بعنوان ادبی‌ترین و ناب‌ترین واژه زبان فارسی در فرهنگ لغات می‌یابیم که نگارنده در ضمن این پژوهش کوچک ولی افتخارآمیز، بدانها دست یافت و چنین بود که گویش و فرهنگ مردم زادگاهم را بیشتر و بهتر شناختم و به جایگاه آن در زبان و ادبیات فارسی پی بردم. انگیزه این ره یافت دو عشق بزرگ بود. عشق به زبان و ادبیات فارسی و عشق به زادگاهم

انار. این دو عشق چون به گرمی در هم آمیخت؛ شوری بر انگیخت و بر احساس زنده بودم
رنگ و عطر معرفت بیخت و مرا به بهانه‌گزینش موضوع پایان نامه بر این امر ترغیب کرد.
روش کار بدینصورت بود که ابتدا از افراد کهنسال منطقه که در امور فرهنگی پیشینه‌ای داشتند به
بحث و مناظره پرداختم و مجموعه گفته‌ها و شنیده‌ها را ضبط نمودم. سپس با صاحبان حِرَف و
مشاغل به گفتگو نشستم و از ابزار کار و قدمت بکارگیری آنها سؤال نمودم با پیران سالخورده
که حکایت و قصه‌ها را با زبان محلی خود بیان می‌کردند حَشْر و نَشْری داشتم. و مجموعه آنچه
را که خود با آن گویش سر و کار داشتم. نخست فیش برداری شد. مرحله دوم تقسیم‌بندی
کلمات بر اساس ترتیب الفبائی بود که خود وقت بسیار گرفت. بعد از آن با مراجعه به
فرهنگهایی چون برهان قاطع و فرهنگ فارسی معین. معنی واژه‌ها با معنی گویش محلی
مطابقت شد و در این تحقیق سعی شده که معنی گویش محلی ثبت شود که سلیس تر و روان تر
می‌باشد. همچنین همانطور که در ابتدای مقدمه بیان گردیده با استفاده از کتب زبان‌شناسی،
بررسی کوتاهی در مورد زبان، واژه، تحول زبان و واژه و همچنین سیر تحول زبان فارسی بعمل
آمد که این مقدمه چکیده و حاصل آن همه بررسی است. به هر صورت کار فرهنگ نویسی کاری
بسیار دشوار است که یک نفر به تنهایی نمی‌تواند از عهده آن بر آید.

اما گوشه‌ای از کار بود که بر دوش گرفتم و امید است رهگشای دانش پژوهان شود و چشمه
بسیار کوچکی است که سرانجام به دریای بیکران متصل خواهد شد.

قطره دانش چو بخشیدی زپیش متصل گردان به دریاهای خویش

موقعیت جغرافیایی انار

انار یکی از بخشهای شمالی استان کرمان می‌باشد. این بخش از شمال به استان یزد (شهرستانهای بافق و مهریز) و از جنوب به بخش کشکوئیه و شهرستان رفسنجان و از طرف غرب به شهرستان شهرابک محدود می‌شود. فاصله این شهر تا مرکز استان (شهر کرمان) ۲۱۵ کیلومتر و تا مرکز شهرستان (شهر رفسنجان) ۱۰۰ کیلومتر می‌باشد. مرکز این بخش (شهر انار) بر سر دوراهی تهران - کرمان، و تهران - بندرعباس واقع شده که این موقعیت نسبی امتیاز خاصی به این ناحیه داده و در توسعه و پیشرفت انار نقش مؤثری داشته است. انار یکی از شهرهای تاریخی استان محسوب می‌شود که آثار باستانی موجود در این شهر گواه خوبی بر این ادعا است.

اسم قدیم این شهر آبان (ABAN) بوده است که در اکثر کتب تاریخی و جغرافیایی قرن‌های سوم تا شش هجری قمری از این شهر نام برده شده آنچه را که از این آثار می‌توان برداشت نمود این است که انار در قرون وسطی آبان نامیده می‌شده و از لحاظ تقسیمات سیاسی آن زمان جزو ایالت پارس و ولایت رودان بوده. در کتاب شهرهای گمشده. تألیف دکتر حمید بهرامی احمدی در این زمینه چنین آمده است: در هفتاد و پنج میلی یزد نیمه راه یزد و شهرابک شهر انار است که در جهت جنوب خاوری شصت میل تا بهرام آباد فاصله دارد. انار و بهرام آباد هر دو از توابع ایالت کرمان می‌باشند ولی این ولایت در قرون وسطی از توابع فارس بوده است. و آنرا ولایت رودان می‌گفتند. سه شهر مهم این ولایت آبان (که انار امروز است) و اذکان و اناس حوالی بهرام آباد (رفسنجان) می‌باشد. با توجه به تشابهات زبانی و لهجه مردم انار با مردم استان فارس دلیل دیگری است. که ثابت می‌کند این بلوک در قرون وسطی جزو ولایت پارس بوده است. آثار باستانی این منطقه که بیانگر قدمت تاریخی این شهر می‌باشد